

54-239

۵۴-۲۳۹

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 54Date of filing: 7 Aug 85\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_

- Date of Award \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision 23 APR 8518 pages in English19 pages in Farsi\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ pages in English

\_\_\_\_\_ pages in Farsi

54-239  
۵۴-۲۳۹

پرونده شماره ۵۴  
شعبه سه  
تصمیم شماره ۳ - ۵۴ - ۳۶

English version  
Filed on 23 APR 85  
نسخه انگلیسی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ ثبت شده است.

DECISION

Case No: 54  
Chamber Three

DUPLICATE ORIGINAL  
نسخه برابر اصل

دیمز اند مور،  
خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،  
سازمان انرژی اتمی ایران،  
شرکت ملی فولاد ایران،  
مرکز پزشکی ایران و  
شرکت ملی گاز ایران،  
خواندگان.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحد  
ثبت شد - FILED  
DATE 7 AUG 1985 تاریخ  
1364 / 05 / 18  
No. 54 شماره

تصمیم

سوالی که در اینجادیوان داوری با آن مواجه است اینست که آیا دیوان می‌تواند و باید بعد از آنکه حکم صادر شد، پرونده را با توجه به اوضاع و احوال خاص آن و ادعای خوانده دائر بر اینکه حکم با استفاده از اسناد و مدارک جعلی و شهادت دروغ تحصیل شده است، مجدداً "مورد رسیدگی قرار دهد؟ دیوان بر این نظر است که منطقی نیست که می‌تواند چه در مورد اصالت مدارک و چه در مورد صحت شهادت داده شده که حکم بر اساس آنها صادر شده، تردید نماید و لذا، نتیجه می‌گیرد که در این مورد نیازی به بررسی این موضوع نیست که دیوان علی‌الاصول و تا چه حدی واجد اختیار تجدیدنظر در حکم صادره است.

قسمت اول

تاریخچه رسیدگی

خواهان، دیمز اند مور در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آبان ماه ۱۳۶۰) دادخواستی

علیه تعدادی خواننده ، از جمله ، شرکت ملی گاز ایران (شرکت گاز) به ثبت رساند .  
دیمزاند مور ادعا نمود که طبق قراردادای که "در سال ۱۹۷۳ یاد ر آن حدود "با شرکت  
گاز منعقد گردید ، "خدماتی در زمینه مهندسی و کنترل کیفیت فنی کار " ارائه  
نموده و صورت حسابهای به مبلغ ۷،۶۲۸،۳۹۷ ریال (ویا ۱۰۸،۴۳۵ دلار آمریکا) بابت  
خدماتی از این قبیل که در سال ۱۹۷۸ انجام گردید ، پرداخت نشده مانده است .  
خواهان خاطرنشان ساخت که وی "قرارداد خود با شرکت گاز را در اختیار ندارد ، زیرا  
قرارداد مذکور و کلیه نسخ آن در ایران است و خواهان نتوانسته هیچ یک از اسناد و  
مدارک را از ایران خارج سازد" . معذک ، خلاصه ای از دو صورت حساب پرداخت نشده  
تحت عنوان پیوست ه (E) (۱) ضمیمه دادخواست بود . خواهان ، مفا " اظهار  
داشت که شرکت گاز متعاقب وقوع انقلاب ایران به خدمات وی پایان داده و "شفاها"  
به نمایندگان خواهان اطلاع داد که به این مبالغ ایراد و اعتراضی ندارد . لیکن  
چون کلیه وجوه وی مسدود شده ، پرداخت مقدور نیست . دیمزاند مور مبالغ مورد  
بدهی را بنحو تخییری با بر مبنای قرارداد ایدیا بر اساس صورت حساب تأیید شده  
( quantum meruit ) و یا بر اساس اجرت المثل ( an account stated ) ، خواستار شد .  
شرکت گاز لایحه دفاعیه اش را در تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۱ تیر ماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند  
و اظهار نمود که "خواهان هیچگونه مدرکی دال بر ادعای خود ... ارائه ننموده است  
... چنانچه مدارک مستند ... ارائه گردد ... اقدامات لازم (توسط شرکت گاز) معمول  
خواهد گردید ... " (۲)

---

(۱) خلاصه مذکور حاوی همان تاریخ ، مبلغ ، شماره کاریا شماره عطفی بود که در صورت حسابهای  
اصلی که بعداً "تسلیم شد ، وجود داشت ، (رجوع شود به زیر) . در دادخواست ذکر شده  
بود که صورت حسابها "موجود" و در هر زمانی قابل ارائه است .

(۲) بعکس ، خوانندگان ، وزارت بهداری و شرکت ملی صنایع فولاد در لوائیح دفاعیه ای  
که همان روز ثبت شد ، به دادخواست پاسخ گفته و به ماهیت دعوی پرداختند . حال آنکه  
در این مورد نیز خواهان با استناد به اینکه نظیر قرارداد شرکت گاز ، قرارداد منعقد  
با این خوانندگان را در اختیار ندارد ، آنها را ارائه نکرده بود . (معهدا ، خواهان ،  
مثل مورد شرکت گاز ، خلاصه صورت حسابهای را که مدعی بود پرداخت نشده ، به ثبت رساند)  
در پاسخ به مطالبه ۶۶،۰۸۰ دلار توسط خواهان بابت خدماتی که بموجب قرارداد  
ادعائی ۱۹۷۷ برای وزارت بهداری انجام و صورت حساب آن در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹  
برای این وزارتخانه ارسال شده بود ، خواننده ، وزارت بهداری ، هم قرارداد دو هم مدارک  
مختلف پرداخت را به لایحه دفاعیه خود که در تاریخ دوم ژوئن ۱۹۸۲ (۱۱ تیر ماه ۱۳۶۱) به  
ثبت رساند ، ضمیمه نمود . بهمین نحو ، خواننده شرکت ملی صنایع فولاد در لایحه

در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۷ آبانماه ۱۳۶۱) دیمیزاندمور لایحه استماع مقدماتی خود را، که نسخ دو صورت حساب پرداخت نشده ادعائی به عنوان بیوت الف (A) بدان ضمیمه شده بود، به ثبت رساند. صورتحسابها دارای همان شماره بازگشت ۵۰ - ۵۱۶ - ۸۷۳۳ و بعنوان آقای مقیمی مادر شده بود، بدین شرح: "قابل توجه آقای مقیمی، شرکت ملی گاز ایران مربوط به ضمیمه شماره ۱ - شماره بازگشت ای تی/۲۴۴ قرارداد شماره ۳۰۴/۲۰۹۳، بررسی خاک و بتون، کارخانه پیشنهادی تبدیل گاز، خانگیران، سرخس، ایران" و صورتحسابها عمدتاً "به هزینه های مختلف پرسنل تمام وقت" و "اضافه کار" مربوط می شد.

ارقام مندرج در صورتحسابها به شرح زیر بود:

صورتحساب شماره ۰۷۱۲، مورخ ۱۴ اوت ۱۹۷۸ (۲۳ مردادماه ۱۳۵۷)  
جمع: ۴,۵۲۶,۲۸۲ ریال

صورتحساب شماره ۲۷۸، مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۶ آبانماه ۱۳۵۷)  
جمع: ۳,۱۲۰,۱۱۵ ریال

اولین صورتحساب صریحاً "شامل هزینه های دوره اول مارس ۱۹۷۸ تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۶ تا ۳۱ تیرماه ۱۳۵۷) بوده و در صورتحساب دوم قید شده بود: هزینه های منظور شده به حساب شما از تاریخ ۲۳ ژوئیه تا ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ (اول مرداد تا اول آبانماه ۱۳۵۷)".

در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۶ آبانماه ۱۳۶۱) جلسه استماع مقدماتی پرونده برگزار شد.

#### دنبال دیاورقی شماره (۲)

دفاعیه ای که در تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۱ تیرماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند، ضمن نقل مطالبی از قرارداد و ارائه مدارک پرداخت، به تقاضای خواهان جهت دریافت ۱۲۳,۵۲۳ دلار بابت خدماتی که طبق قرارداد سال ۱۹۷۵، در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ انجام و صورتحسابان صادر شده بود، پاسخ گفت. شرکت ملی صنایع فولاد، متعاقباً "عین قرارداد و ادله و مدارک دیگر مربوط به پرداخت را، در ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ (۵ اردیبهشت ۱۳۶۲) پیش از استماع پرونده، به ثبت رساند. به خواهان اجازه داده شد که ادعایش را علیه مرکز پزشکی ایران مسترد نماید و دیوان به نفع شرکت ملی صنایع فولاد رای داد. دیمیزاندمور و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۵۴-۹۷ (۲۰ دسامبر ۱۹۸۳/۲۹ آذرماه ۱۳۶۲).

دیوان طی دستور مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۸ آبانماه ۱۳۶۱) از طرفین خواست گسه حداکثر تا تاریخ ۲ آوریل ۱۹۸۳ (۱۳ فروردینماه ۱۳۶۲) "کلیه مدارک و لواجی راکه ما یلند در تائید ادعاها یا ادعاهای متقابلشان ارائه نمایند، به شیت رسانند".

معذک، در تاریخ سوم فوریه ۱۹۸۳ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۶۱) شرکت گاز لایحه‌ای شیت و ضمن آن مجدداً "اظهار نمود که "... خواهان هیچگونه سندی که دال بر وجود نوعی رابطه حقوقی یا معاملاتی با شرکت ملی گاز باشد ارائه نکرده و همچنین هیچ نوع مدرکی که دلالت بر حقانیت ادعا و مطالب مورد مطالبه در آن داشته باشد... تقدیم ننموده است". ".... علیهذا، چنانچه خواهان قادر به ارائه دله و مدارک مثبت ادعای خود باشد، در آن صورت خواننده از آن دادگاه محترم درخواست می‌نماید که حق دفاع عادلانه و احیانا "ارائه دعوی متقابل را برای شرکت ملی گاز محفوظ بدارد". شرکت گاز به علاوه اظهار داشت که "... برای خواننده نیز تا کنون امکان تهیه و تحصیل دلیل جهت خواهان فراهم نگردیده است".

دیمزاند مور لایحه خود را در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۸۳ (۲۵ فروردینماه ۱۳۶۲) همراه با نسخ جدید و صورت حساب تادیه نشده، به عنوان "ضامن شهادت نامه دوم یعقوبیان که به طور همزمان ثبت و صحت صورت حسابها در شهادت نامه اخیر تائید شده"، تسلیم نمود. در شهادت نامه دوم یعقوبیان با قید سوگند تائید شده است که شهادت دهنده از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۲ مدیر عامل خواهان در تهران بوده، صحت صورت حسابها را گواهی نموده و اظهار داشت که "در اوایل سال ۱۹۷۹ یا در آن حدود"، که به خدمات خواهان توسط شرکت گاز "خاتمه داده شد"، صورت حسابها با وجود اینکه شرکت گاز هیچگاه ایرادی به آنها نگرفته بود "پرداخت نشدند". سوگند نامه دوم یعقوبیان بدین شرح خاتمه می‌یافت:

تا آنجا که من اطلاع دارم، نه شرکت گاز و نه هیچ طرف دیگری،  
وجهی بابت خدمات مذکور در صورت حسابها (به خواهان)  
پرداخت ننمود، ...

خواهان، همچنین خاطر نشان ساخت که شرکت گاز منکر آن نیست که دیمزاند مور به تقاضای وی کارهایی انجام داده، و اضافه کرد که صورت حسابهای دیمزاند مور بابت این کار معقول بوده و هرگز مورد اعتراض واقع نگردیده، لیکن هیچگاه پرداخت نشده، و ضمناً "اینکه واقعا "قرارداد کتبی وجود داشته است". خواهان، مضافاً "اظهار داشت که:

دیمزاند مور حاضر است ادعا های خود علیه شرکت گاز را بر اساس لایحه  
حاضر اقامه نماید، مشروط بر آنکه فرصت ایراد بیه هرگونه مدرک تسلیمی  
توسط شرکت گاز در دفاع در برابر این ادعا، در جلسه استماع برای  
دیمزاند مور محفوظ باشد. معینا، دیمزاند مور بر این نظر است  
که هرگونه دلیل و مدرکی که شرکت گاز قصد دارد در مقام دفاع ارائه  
دهد، باید به دلیل اینکه بعد از موعد مقرر و بنحوی تسلیم شده که دیمز  
اند مور را عملا " از هرگونه فرصت معقول جهت ارائه دلایل معارض محروم  
می سازد، رد گردد.

در واقع هیچ لایحه ای توسط شرکت گاز تسلیم نشد.

استماع پرونده در ۱۲ و ۱۳ مه ۱۹۸۳ (۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) برگزارو  
متعاقبا " پرونده جهت شوربه داوران تسلیم گردید.

در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۸۳ (۹ شهریور ماه ۱۳۶۲) شرکت گاز طی یک اظهاریه غیر مجاز،  
برای اولین بار ادعای متقابلی بابت مالیات و حق بیمه اجتماعی پرداخت نشده  
مطرح و در عین حال "ضامی" به شرح زیر ارائه نمود:

۱ - "ضمیمه ۱"، مرکب از دو صورت حساب بود.

الف - یک فقره صورت حساب امضا شده روی فرم نامه خواهان که مندرجات آن عین صورت حساب  
شماره ۵۷۱۲ است، و خلاصه آن در دادخواست آمده و در تاریخ ۸ نوامبر  
۱۹۸۲ (۱۷ آبان ماه ۱۳۶۱) تسلیم گردیده (وبعدا " به سوگند نامه  
دوم یعقوبیان ضمیمه شد )، جز آنکه تاریخ آن به جای ۱۴ اوت ۱۹۷۸  
(۲۳ مرداد ماه ۱۳۵۷) ۲۵ اکتبر ۱۹۷۸ (سوم آبان ماه ۱۳۵۷) است و  
پیدا است که جداگانه تایپ شده است. ولی روی هریک از اقلام اضافه کار  
با دست خط کشیده شده و جمع حاصله به مبلغ ۱،۲۱۵،۵۲۵ از کل مبلغ  
صورت حساب، که بنوبه خود خط زده شده، کسر و رقم تازه ۳،۳۱۰،۷۰۷ ریال،  
با دست به جای آن نوشته شده است (معلوم نیست که این اصلاحات دستی چه  
موقع و توسط چه کسی صورت گرفته است).

ب - یک فقره صورت حساب امضا شده روی فرم نامه خواهان که از هر لحاظ شبیه صورت حساب شماره ۷۷۸ و احتمالاً اصل همان صورت حسابی است که خلاصه آن در دادخواست آمده و در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۶ آبانماه ۱۳۶۱) تسلیم (وبعداً " به سوگندنامه دوم بعقوبیان ضمیمه) شده است . در این صورت حساب نیز، روی قلام اضافه کار با دست خط کشیده شده و رقم حاصله ۸۸۲،۱۱۵ ریال، از جمع کل کسر شده است . در این مورد نیز رقم جدید ۲،۲۲۰،۰۰۰ ریال با دست به جای مبلغ کل صورت حساب نوشته شده است . (در اینجا نیز مشخص نشده که این اصلاحات دستی چه موقع و توسط چه کسی صورت گرفته است ) .

۲ - "ضمیمه ۲" دستور پرداختی است به شماره ۰۲۴۹۰، به تاریخ ۶ مه ۱۹۷۹ ( ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) مربوط به قرارداد شماره ۳۰۲/۲۰۹۳ به مبلغ اولیسه ۴،۶۶۴،۱۶۹ ریال . در دستور پرداخت مورد بحث بعد از کسورات مقرر، قید شده است: خالص مبلغ قابل پرداخت: ۳،۹۶۶،۸۷۲ ریال کسه طی چک شماره ۱۷۰۰۲ از حساب جاری ۹۰۰۰۹ پرداخت گردید" . دستور پرداخت را شخصی به نام "محمد هادی جعفری" امضاء کرده است .

۳ - "ضمیمه ۳" مرکب از چهار سند است :

الف - یادداشتی به تاریخ ۸ مه ۱۹۷۹ (۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) به امضای "شاهین عسکری - مدیر عامل" که از جانب خواهان به شرکت گاز نوشته شده و در آن ذکر شده است که "بدینوسیله آقای محمد هادی جعفری را جهت دریافت چک این شرکت معرفی می نماید" .

ب - یک فقره "گواهی پرداخت قراردادی" به تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۷۹ (۲۳ فروردینماه ۱۳۵۸) که به "قرارداد شماره ۳۰۲/۲۰۹۳" اشاره نموده و از تاریخ ۱ مارس ۱۹۷۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۱ اسفندماه ۱۳۵۶ تا ۳۰ مهرماه ۱۳۵۷) "را در بر می گیرد" . امضای "آقای مقیمی" از جمله امضاهای این سند است . مبلغ اولیه این سند ۵،۵۳۰،۷۰۷ ریال است (یعنی رقمی که پس از حذف ارقام اضافه کار به شرح مندرج در

۱ - الف و ب بالا، به عنوان مبلغ کل بابت دست در صورت حسابهای خواهان نوشته شده است). معذک، در این سند، مبلغ ۸۶۶،۵۳۸ ریال به عنوان اینکه این رقم قبلاً "به عنوان قسمتی از اضافه کار (به خواهان) پرداخت شده، کسر شده است (بین این رقم و اضافه کاری که به شرح مذکور در ۱ - الف و ب بالا تماماً "از صورت حسابهای خواهان خط زده شده هیچگونه ارتباط آشکاری وجود ندارد). مانده خالص گواهی شده ۴،۶۶۴،۱۶۹ ریال است (یعنی مبلغ مندرج در "دستور پرداخت شماره ۵۲۴۹۰" که توسط شرکت گاز به شرح مذکور در قسمت ۲ بالا، تسلیم شده است).

ج - نامه مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۴ آبانماه ۱۳۵۷) پارسونز اورسیزر کامپنی به شرکت گاز مبنی بر توصیه پرداخت صورت حسابهای خواهان که آقای جعفری سخما "به محل کار برده است، به شرح زیر:

۵۰ - ۵۱۶ - ۸۷۳۲، به تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۸...  
(صورت حساب شماره ۷۷۸).

۵۰ - ۵۱۶ - ۸۷۳۲، به تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۷۸...  
(صورت حساب شماره ۵۷۱۲)

در نامه، جمع مبالغ صورت حسابها، عیناً "به همان مقادیری که در صورت حسابهای اصلی تایپ گردیده، ماشین شده، ولی، بعداً "خط خورده و به جای آن همان ارقامی که در صورت حسابهای تسلیمی شرکت گاز به دیوان جایگزین گردیده، بابت دست نوشته شده است (در اینجا نیز معلوم نیست که این خط خوردگیها چه موقع و به وسیله چه کسی صورت گرفته به این معنی که آیا ارقام جدید دست نوشته در نامه ارسالی به شرکت گاز مندرج بوده یا اینکه بعداً "کسی آنرا اضافه کرده است).



د - آگهی مندرج در روزنامه رسمی کشور به تاریخ ۷ فروردینماه ۱۳۵۸ (۲۷ مارس ۱۹۷۹)، به امضای مدیرکل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی مبنی بر اینکه آقای شاهین عسکری از تاریخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۵۷ (۱۷ مارس ۱۹۷۹) "به سمت مدیرعامل شرکت انتخاب گردید". (آقای عسکری یادداشت مورخ ۸ مه ۱۹۷۹ (۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) رامینی بر معرفی آقای جعفری جهت دریافت وجه مورد اشاره در قسمت ۳ بالا، امضاء کرده بود).<sup>(۳)</sup>

خوانندگان، بر مبنای این اسناد، استدلال کتبی اقامه نموده و اظهار داشتند که "متعاقب وصول مدارک مربوط به شهادتنامه آقای نژده یعقوبیان و صورتحسابهای پیوست آن که متاسفانه بعد از جلسه استماع بدست ما رسید با پیگیری و تلاش فراوان موفق گردیدیم به پاره‌ای از مدارک دست یابیم، مراتب مشروح زیر بعرض آن دادگاه میرسد..."

در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۵ شهریورماه ۱۳۶۲) شرکت گاز سند دیگری نزد دیوان به شیت رساند که عبارت بود از چکی به شماره ۰۱۷۰۰۲ به تاریخ هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ (۷ مه ۱۹۷۹) عهده "حساب شماره ۹۰۰۰۹ بانک ملی، که ظاهراً "به گواهی پرداخت قراردادی" مذکور در ۳ - ب بالا مربوط و مبلغ آن ۳,۹۶۶,۸۷۲ ریال و به خواهان قابل پرداخت بود.

در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۸۳ (۱۱ مهرماه ۱۳۶۲) دیمزاند مور، با استناد به دلایل زیر به اظهاریه‌ها و ضمایم جدید و ادعاهای متقابلی که توسط شرکت ملی گاز ایران، پس از خاتمه استماع پرونده، ثبت شده است، اعتراض نمود:

(۳) دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که خواهان در تائید ادعای سلب مالکیت مطروحه توسط خود علیه جمهوری اسلامی ایران سوگندنامه‌ای از آقای شاهین عسکری که در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۸۳ (۱۱ فروردینماه ۱۳۶۲) ادا شده، در پیرونده حاضر تسلیم کرده است. در سوگندنامه مزبور گفته شده که "در فوریه ۱۹۷۹ من به عنوان مدیرکل تام‌الاختیار دفتر دیمزاند مور در تهران، جهت اداره امور تجاری شرکت در ایران تعیین شدم"، و سپس "به تهران رفته و در طول سال ۱۹۷۹... به طور مداوم، تا آخرین سفرم (بدانجا) در اوت ۱۹۷۹ یا در آن حدود، در آنجا بودم".

- (الف) دیوان دستور داده بود که کلیه مدارک کتبی یا اظهاریه‌ها ، تا دوم آوریل ۱۹۸۳ (۱۳) فروردینماه ۱۳۶۲) به ثبت رسد .
- (ب) استماع پرونده در تاریخ ۱۳ مه ۱۹۸۳ (۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) خاتمه یافت .
- (ج) دیوان اجازه تسلیم هیچ لایحه یا اظهاریه مستند پس از استماع را ، در مورد ادعای دیمزاند مور علیه شرکت گاز ، نداده ، و
- (د) ماده ۱۹ قواعد دیوان مقرر می‌دارد ، که در نبود دستوری از جانب دیوان ، کلیه ادعاهای متقابل باید همراه لایحه دفاعیه ثبت شود . دفاعیه شرکت گاز در دوم ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۱ تیرماه ۱۳۶۱) ثبت گردیده و و دیوان هیچگونه دستوری مبنی بر قبول ثبت ادعاهای متقابلی که با تاخیر ثبت می شوند ، صادر نکرده و یا صدور چنین دستوری درخواست نشده است .

دیمزاند مور ، همچنین خاطر نشان ساخت که :

نماینده شرکت گاز در جلسه استماع روزهای ۱۲ و ۱۳ مه ۱۹۸۵ (۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) منعقد در دیوان ، به دیوان اطلاع داد که شرکت نامبرده هیچ مدرکی ندارد که تسلیم کند . دیمزاند مور پیشنهاد کرد که آقای یعقوبیان که در لاهه بود ، در جلسه استماع حضور یا بدور ارجع به مطالبی که قبلاً " شهادت داده گواهی بدهد و به هر سئوالی که اعضای دیوان یا نماینده شرکت گاز داشته باشد ، پاسخ گوید . کسی شهادت آقای یعقوبیان را نخواست و شهادت وی ضمن مدارک کتبی دیمزاند مور تسلیم گردید .

بالاخره ، خواهان اعلام داشت که "دیمزاند مور قصد ندارد به لوایح و اظهاریه‌های کتبی و ضمیمه‌های متقابلی که شرکت گاز با تاخیر به ثبت رسانده پاسخ دهد ، مگر آنکه دیوان در این مورد دستوری صادر کند". دیوان چنین دستوری به خواهان نداد .

در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۳ آذرماه ۱۳۶۲) شرکت گاز اظهاریه جدیدی در دفاع و تأیید ادعای متقابلش تسلیم نمود .

در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۹ آذرماه ۱۳۶۲) دیوان حکم شماره ۳ - ۵۴ - ۹۷، دیمزاند - موروج جمهوری اسلامی ایران و سایرین را با درضمن آن تکلیف ادعای مطروح علیه شرکت گاز را نیز روشن ساخت. در حکم مزبور، دیوان ذکر کرد که "شرکت گاز در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۸۳ (۹ شهریورماه ۱۳۶۲) مدارک جدید "ونیز" در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۵ شهریورماه ۱۳۶۲)"، "ضمیمه جدید" و در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۳ آذرماه ۱۳۶۲) "استدلالات" تازه ای، ثبت نموده است. دیوان نظر داد که "انصاف، نظم و ترتیب واجتباب از بیعدالتی نیست به طرف دیگر پرونده ایجاب می کند که دیوان داور، به اسناد و مدارکی که طرفین پس از جلسه استماع بدون اجازه به ثبت رسانده اند، ترتیب اثر ندهد". در حکم، ضمن مطالب دیگر، ادعای خواهان علیه شرکت گاز پذیرفته شده و چنین نتیجه گیری شده است: "خواننده شرکت گاز ایران ملزم است و باید، مبلغ یکصد و هشت هزار و چهارصد و سی و پنج دلار آمریکا (۱۰۸،۴۳۵ دلار) به خواهان دیمزاند موروج بپردازد...".

اندکی پس از صدور حکم، هم نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران و هم شرکت گاز اصرار کردند که دیوان پرونده را مجدداً "مفتوح نموده و براساس اظهاریه های پس از استماع شرکت گاز، در حکم صادره تجدید نظر کنند. نماینده رابط، طی نامه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ (۲۹ دیماه ۱۳۶۲) نوشت که "اعتراض خود به رای... را تقدیم و تقاضای رسیدگی دارد". در پاسخ به این "اعتراض"، خواهان اظهار داشت که هیچ مبنای حقوقی یی عا دلانه ای برای تجدید رسیدگی وجود ندارد". شرکت گاز، به این اظهاریه خواهان پاسخ گفته و این موضع را اتخاذ کرد که سوگندنامه دوم یعقوبیان "کذب محض" بسوده و صورتحسابهای تسلیمی خواهان "جعلی" است. شرکت گاز، به ویژه به بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۵ قواعد دیوان، به عنوان مبنای حقوقی تجدید رسیدگی به پرونده، استناد می کند. در نامه مورخ ۲۳ مه ۱۹۸۴ (دوم خردادماه ۱۳۶۳) نماینده رابط به بند ۲ ماده ۲۹ و مواد ۳۵ و ۳۷ قواعد دیوان استناد شده است. در این نامه نیز، صورتحسابهای تسلیمی خواهان "ساختگی" و "واهی" خوانده شده و سوگندنامه دوم یعقوبیان، "شهادت نادرست توصیف شده است". آخرین اظهاریه ایران در این موضوع، نامه مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۴ (۹ تیرماه ۱۳۶۳) نماینده رابط است که نامه

---

(۴) خواهان نیز متعاقب استماع مربوط به ادعای مطروح علیه خواننده دیگری در این پرونده، مطالب غیرمجازی را به ثبت رساند.

مورخ دوم ژوئیه ۱۹۸۴ (۱۲ خردادماه ۱۳۶۳) شرکت گازبه "بانک ملت، شعبه ونگ"، به آن پیوست است و در آن سؤال شده است که آیا "چک (شماره ۰۱۷۰۰۲ مورداشاره دربالا) به حساب شرکت (دیمزاند مور) واریز شده است یا خیر و در صورتیکه واریز شده "تاریخ واریز شدن و مبلغ دقیق آن" و "مانده حساب شرکت ... تا این تاریخ چیست، و نیز "اینکه حساب، مفتوح یا مسدود شده است"؟ پیوست دیگر نامه نماینده رابط، پاسخ مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۸۴ (۲۶ خردادماه ۱۳۶۳) بانک ملت (از جمله یک برگ صورت حساب بانک) است مبنی بر اینکه "چک در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۷۹ (۲۴ خردادماه ۱۳۵۸) به حساب شرکت مذکور واریز گردیده است" و اینکه "حساب شرکت در حال حاضر به علت را کذب بودن حساب ...، بمدت چهار سال"، "بسته می باشد"، مانده حساب مذکور ۹۰۳ ریال است که "در حساب بستن کاران موقت ... نگهداری می گردد". همراه هیچیک از اظهاریه های مزبور هیچگونه مدرکی که مبتنی بر شهادت باشد، تسلیم نشده است.

در تاریخ چهارم فوریه ۱۹۸۵ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۴)، نماینده رابط ایران بدون هیچگونه توضیحی از دیوان تقاضا کرد که "رسیدگی به درخواست تجدید رسیدگی را به حالت تعلیق درآورد". لکن، دیوان داوری طی اطلاعیه ای به طرفین که در ۲۰ مارس ۱۹۸۵ (۲۹ اسفندماه ۱۳۶۳) به ثبت رسید، تقاضای مزبور را رد کرد و متذکر شد که درخواستهای قبلی جهت تجدید رسیدگی "متضمن اتهامات جدی راجع به رفتار خواهان ... و نیز راجع به اعتبار ... حکم صادره علیه شرکت گاز بوده، و" رسیدگی فوری بدان ... واجد اهمیت حیاتی است".

قسمت دوم

دلایل اتخاذ تصمیم

بیانیه حل و فصل دعاوی و قواعد دیوان، علی‌الاصول با طرح مجدد احکام صادره و اعاده رسیدگی بدانها، مخالفانند. بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که "تمام تصمیمات و احکام دیوان قطعی و لازم الاجرا خواهند بود". همینطور، بند ۲ ماده ۳۲ قواعد دیوان مقرر می‌نماید که "حکم، کتبی بوده و اجرای آن برای طرفها الزامی است".<sup>(۵)</sup>

علی‌رغم این مقررات راجع به قطعیت (احکام)، خواننده و جمهوری اسلامی ایران توجه دیوان را به بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۵، بند ۲ ماده ۲۹ و مواد ۳۵ و ۳۷ قواعد دیوان جلب کرده‌اند. لکن، هیچیک از این مواد، دیوان را مجاز به اقدامی که اکنون مورد تقاضاست، نمی‌کند و بالعکس، مقررات مذکور بیشتر روشهایی را برای قطعیت بخشیدن به احکام تحت اوضاع و احوال گوناگون مقرر داشته و استثنائاتی ولو محدود را در این مورد نمی‌پذیرد.

بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۵ قواعد دیوان مقرر می‌دارد:

۱ - دیوان داوری با رعایت این قواعد می‌تواند جریان داوری را بنحوی که خود مقتضی بداند هدایت کند، مشروط بر اینکه با طرفهای داوری به مساوات رفتار کرده و در هر یک از مراحل رسیدگی به هر طرف کاملاً "فرصت دهد که مطالب خود را ارائه نماید".

---

(۵) بند ۲ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی، از جمله، مقرر می‌دارد که "... اجرای امور دیوان طبق مقررات داوری کمیسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق تجارت بین‌المللی (UNCITRAL) خواهد بود مگر در مواردی که توسط طرفین و یا توسط دیوان داوری به منظور اطمینان از اجرای این بیانیه اصلاح می‌شود". بند (۲) ماده سی و دو قواعد دیوان که در تاریخ سوم مه ۱۹۸۳ (۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) به تصویب دیوان رسیده "همان بند (۲) ماده ۳۲ قواعد انسیترال است که تغییری در آن داده نشده. البته، تبصره‌ای به ماده ۳۲ قواعد دیوان اضافه گردیده، مبنی بر اینکه "اصطلاح طرفها ... به معنی طرفهای داوری است".

۲ - در هر مرحله از رسیدگی، دیوان داوری باید در صورت درخواست هریک از دو طرف جلسات استماعی جهت ادای شهادت، از جمله شهادت کارشناسان یا استدلال شفاهی برگزار نماید. در نبود چنین درخواستی دیوان داوری در باب این نکته تصمیم خواهد گرفت که یا جلسات استماعی از اینگونه را تشکیل دهد یا اینکه جریان داوری را بر اساس مدارک و سایر اسناد هدایت کند.

از نحوه انشاء و زمینه ماده ۱۵، روشن است که مفاد اصلی آن ناظر بر خود جریان رسیدگیها، در مرحله پیش از صدور حکم است و قابلیت اعمال آن با صدور حکم خاتمه می یابد. این نکته به ویژه با مقایسه ماده ۱۵ با بند ۲ ماده ۲۹، که نماینده رابطة ایران آن را نقل کرده است، روشن می شود. بند مذکور چنین مقرر می دارد:

۲ - دیوان داوری می تواند، در صورتیکه تحت شرایطی استثنائی مقتضی بداند، خواه بنا به تشخیص خود و خواه بنا به درخواست طرفها، جلسات استماع را در هر زمانی قبل از صدور حکم دوباره بگشاید.

بدینسان، هرگونه حقی در خصوص "برگزاری جلسه استماع جهت ادای شهادت توسط شهود... یا استدلال شفاهی"، یا "تسلیم اسناد و سایر مدارک و مطالب" که قبل از صدور حکم ممکن است وجود داشته باشد، پس از آن دیگر موجود نیست. در حقیقت، حتی در فاصله بین ختم رسیدگی و صدور حکم - یعنی دقیقا " همان موقعی که خوانده، شرکت گاز "ضمایم" پذیرفته نشده خود را ارائه نمود- هیچ گونه لایحه و مدرکی نمی تواند پذیرفته شود، مگر آنکه دیوان تشخیص دهد که "به علت اوضاع و احوال استثنائی اینکار لازم است". بنا بر این، نه ماده ۱۵ و نه بند ۲ ماده ۲۹ مبنائی برای پذیرش این تقاضای ارائه شده بعد از صدور حکم، جهت طرح مجدد پرونده و اعاده رسیدگی بدست نمی دهند.

در واقع آنچه که خوانده، شرکت گاز و نماینده رابطة ایران ظاهرا"، در استناد به ماده ۱۵ و بند ۲ ماده ۲۹، استدلال می کنند اینست که دیوان مرتکب اشتباه شده زیرا تشخیص نداده که "اوضاع و شرایط استثنائی" ایجاب می کرد "ضمایم" که شرکت گاز پس از ختم رسیدگی ولی پیش از صدور حکم، ارائه کرد، مورد بررسی واقع شود. معذک، اگر سخنی در این باب بتوان گفت اینست که بعد از صدور رای، تحدید نظر در این تصمیم شکلی که ملهم از بصیرت قضائسی

است ، دارای پایه و اساس ضعیف تری است تا رسیدگی مجدد به ماهیت دعوی پس از صدور حکم .<sup>(۶)</sup>

مبنای دیگری که در تائید درخواست تجدید رسیدگی ذکر شده نیز به همان اندازه غیر موثر است .

ماده ۳۵ مقرر می‌دارد :

۱ - هر یک از طرفها می‌توانند ظرف سی روز پس از دریافت حکم ، ضمن اطلاع به طرف دیگر ، از دیوان داوری تقاضا کنند که تفسیری از حکم بدست دهد .

۲ - این تفسیر بصورت کتبی و ظرف چهل و پنج روز پس از دریافت تقاضا انجام خواهد شد . این تفسیر بخشی از حکم بوده و مفاد بندهای ۲ تا ۷ ماده ۳۲ در مورد آن محرز خواهد بود .

حتی اگر "اعتراض" تسلیمی مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ (۲۹ دیماه ۱۳۶۲) نماینده رابط ایران علیه حکم مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۹ آذرماه ۱۳۶۱) طبق ماده فوق الذکر به عنوان درخواست بموقع خوانده ، شرکت گاز تلقی می‌گردید ، باز روشن است که آنچه مورد تقاضاست واقعا " تعبیر و تفسیر نیست بلکه ابطال کامل حکم صادره علیه شرکت گاز است . به همین ترتیب ، درخواست مطروحه نمی‌تواند طبق ادعای نماینده رابط ، به استناد ماده ۳۷ قواعد دیوان ، به عنوان درخواست "حکم تکمیلی در مورد آندسته از<sup>(۷)</sup>

(۶) معهدا ، دیوان خاطر نشان می‌سازد که خوانندگان دیگر این پرونده ، یعنی وزارت بهداری و شرکت ملی صنایع فولاد ، توانستند در اوضاع و احوال کاملاً مشابهی به دفاع پرداخته و به موقع ادله و مدارک پرداخت را ارائه نمایند . این امر حاکی از آنست که فی الواقع "اوضاع و احوال استثنائی" وجود نداشته و دیوان در امتناع از بررسی "ضمانت" شرکت گاز که اولین بار ۲۱ ماه پس از ابلاغ صورت حسابهای خواهان (در دادخواست) و حدود ده ماه پس از تسلیم خود صورت حسابها و بیش از سه ماه پس از ختم رسیدگی ، ارائه گردیده ، کاملاً در چارچوب اختیارات قانونی خود عمل کرده است .

(۷) متن کامل ماده ۳۷ به شرح زیر است :

(بقیه پا ورقی در صفحه بعد)

دعاوی که در جریان داوری ارائه شده لکن در حکم ذکری از آن به میان نیامده تلقی  
(۸)  
گردد.

این سؤال مطرح شده است که با فقدان اجازه صریحی برای طرح مجدد پرونده و تجدید رسیدگی به ماهیت دعوی پس از صدور حکم، آیا دیوان داوری ذاتاً "اختیار" این کار را در "اوضاع و احوال استثنائی"، حداقل در موردی که حکم "بر اساس اسناد و مدارک جعلی یا شهادت دروغ" صادر شده باشد، دارد یا خیر؟ رجوع شود به تصمیم مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۸۴ (۲۲ دیماه ۱۳۶۲) در پرونده شماره ۱۴۹، مارک دلال و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، و رای مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۵ شهریورماه ۱۳۶۲) در پرونده شماره ۲۰۰، هنری موریس و دولت جمهوری اسلامی ایران، و سایرین. اینک دیوان های داوری بین المللی

#### دنباله پارقی (۷)

۱ - هر یک از طرفها می توانند ضمن اطلاع به طرف دیگر، ظرف سی روز پس از دریافت حکم از دیوان داوری تقاضا کنند در مورد آن دسته از دعاوی که در جریان داوری ارائه شده، لکن در حکم ذکری از آنها به میان نیامده، حکم تکمیلی صادر نماید.

۲ - هرگاه دیوان داوری تقاضای صدور حکم تکمیلی را موجه تشخیص دهد و معتقد شود که حکم قبلی را می توان بدون تشکیل جلسات استماع یا ارائه مستندات دیگری با صدور حکم تکمیلی در باب دعاوی محذوف تصحیح کرد، ظرف شصت روز پس از دریافت تقاضا، حکم خود را کامل خواهد کرد.

۳ - در صورت صدور حکم تکمیلی، مفاد بندهای ۲ تا ۷ ماده ۳۲ مجری خواهد بود.

(۸) گرچه نه شرکت گاز و نه نماینده رابط ایران، صراحتاً "به ماده ۳۶ قواعد دیوان اشاره نکرده اند، با این حال به نظر می رسد که اظهاریه مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۴ (سوم خردادماه ۱۳۶۳) نماینده رابط تلویحاً "به آن اشاره دارد. ماده ۳۶ مقرر می دارد:

۱ - هر یک از طرفهای داوری می توانند ضمن اطلاع به طرف دیگر، ظرف سی روز پس از دریافت حکم، از دیوان داوری تقاضا کنند که هرگونه اشتباه محاسبه، غلط های انشائی و املائی یا اشتباهاتی از این دست را تصحیح کند. دیوان داوری می تواند به ابتکار خود ظرف سی روز پس از ابلاغ حکم، چنین تصحیحاتی را بعمل آورد.

(بقیه پارقی در صفحه بعد)



در این زمینه، اختیاراتی چه بطور ضمنی و چه بصورت ذاتی دارند یا نه، مسئله‌ای است که مورد تجزیه و تحلیل‌های علمی<sup>(۹)</sup> و بررسی‌های قضائی محدود واقع شده و به نتایجی کاملاً متناقض انجامیده<sup>(۱۰)</sup> است. معذک، درخواست فعلی تجدید رسیدگی، بهیچوجه آنچنان کوششی را که برای برقراری موازنه دقیق بین قطعیت آراء و تصمیمات دیوان از یکسو، و صحت و درستی جریان رسیدگی آن، از سوی دیگر لازم است، توجیه نمی‌کند.

#### دنباله پاورقی (۸)

۲ - اینگونه تصمیمات کتبی بوده و مفاد بندهای ۲ تا ۷ ماده ۳۲ در مورد آن مجری خواهد بود.

معذک، روشن است که این باصطلاح اشتباهی که شرکت گاز و نماینده رابط توجه دیوان را بدان جلب می‌کنند از نوع "اشتباه محاسبه، غلط انشائی و املائی" نیست.

(۹) رجوع شود به:

W. Reisman, Nullity and Revision 208 (1971); D. Sandifer, Evidence Before International Tribunals 403 (Rev. ed. 1975); and J. Simpson & H. Fox, International Arbitration 241 (1959).

(۱۰) مقایسه شود Opinion of Sir Thornton, Umpire, concerning the petition for rehearings in the Benjamin Weil و La Abra Silver Mining Co. Cases (20 October 1876) (United States-Mexican Mixed Claims Commission of 1868) reprinted in 2 J.B. Moore, International Arbitrations 1324 (1898)

(که نظر داد کمیسیون اختیار صدور حکم تجدید ادراستی را ندارد، ولو اینگونه "نماینده رابط مکزیک در پرونده Weil قرائن و اماراتی ارائه کرده بود که اگر توسط خواهان رد نمی‌شد مطمئناً به ایجاد این سوء ظن کمک می‌کرد که شهادت دروغ ادا شده و تمامی ادعا کلاهبرداری بوده است"). و نظر سرداور، آقای قاضی رابرتز، در مورد عرض حال مربوطه تجدید استماع در:

Lehigh Valley Railroad (United States) v. Germany ("The Sabotage Cases") (15 December 1933) (United States-German Mixed Claims Commission of 1922) reprinted in 8 U.N. Rep. Int'l Arb. Awards 160, 182

(که ضمن آن نظر داد که "هر دیوان داوری ذاتاً اختیار طرح مجدد و تجدید نظر در رایی را که به انگیزه تقلب صادر شده باشد، دارد").

هرچند، خوانده، شرکت گاز و ایران به "اسناد و مدارک جعلی" و "شهادت کذب" اشاره کرده‌اند، با اینحال "ضمایمی" که شرکت مذکور بعد از موعد مقرر تسلیم کرده آنچنان نیست که نگرانی موجهی راجع به اخلاف در پیرویه رسیدگی دیوان ایجاد کنند.

اولاً، ولو اینکه این "ضمائم"، حتی الامکان به نفع شرکت گاز تفسیر شود، گویای نکته‌ای بیش از این نیست که از رقم ۷,۶۳۸,۳۹۷ ریالی که دیمزاند مور از شرکت گاز مطالبه کرده، مبلغ ۳,۹۶۶,۸۷۲ ریال به وی پرداخت شده است.

ثانیاً، صورت حسابهای خواهان نه تنها ساختگی نیست، بلکه از کلیه جنبه‌های مهم، همانند صورت حسابهایی است که شرکت گاز ارائه نموده و بدین ترتیب سندیت آنها را تأیید کرده است.

بعلاوه، اظهار آقای یعقوبیان مبنی بر اینکه صورت حسابها "تا اوایل سال ۱۹۷۹ یا در آن حدود که شرکت گاز به خدمات خواهان "خاتمه داد"، پرداخت نشده بود، با این ادعای ضمنی شرکت گاز در اظهاریه‌هایش، دائر بر اینکه پرداخت در تاریخ ۷ مه ۱۹۷۹ (۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) صورت گرفته، منافات ندارد. هیچ دلیل و مبنایی در سوابق موجود جهت تردید در اظهار آقای یعقوبیان دائر بر اینکه مبلغ صورت حساب "هیچگاه مورد ایراد شرکت گاز واقع نشد" وجود ندارد. همینطور هیچ دلیلی در پرونده نمی‌توان یافت که به استناد آن در صدق "اطلاع" آقای یعقوبیان دائر بر اینکه تا تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۸۳ (نهم فروردین ماه ۱۳۶۲) یعنی تاریخ سوگندنامه‌وی، وجهی بابت صورت حسابها به خواهان پرداخت نشده بوده،

(۱۱)  
تردید نمود. در چنین اوضاع و احوالی، دیوان منطقاً " نمی‌تواند در این  
که آقای یعقوبیان یا حسن نیت ادای سوگند نموده،  
تردیدی به خود راه دهد، چه رسد به اینکه اظهار خوانده، شرکت  
گاز رامینی برای آنکه "وی با ادای شهادت دروغ مرتکب جرم شده  
است"، بپذیرد.

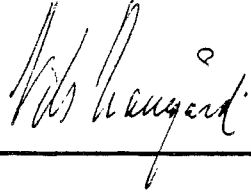
بدینسان، دیوان نتیجه می‌گیرد که اظهاریه‌های خواننده، شرکت گاز توجیهی  
بدست نمی‌دهد که دیوان دست به اعمال اختیاراتی زند که ممکن است جهت طرح  
مجدد و تجدید رسیدگی پرونده‌ای که قبلاً " با صدور حکم خاتمه  
یافته - با استناد به اینکه حکم صادره بر مدارک ساختگی یا  
شهادت کذب مبتنی بوده است - داشته باشد.

با این نتیجه‌گیری، دیوان هیچگونه نظری راجع به وجود  
اختیار فرضی مذکور نمی‌دهد، بلکه صراحتاً " تصمیم در  
باب این مسئله را در صورتی که اتخاذ آن ضرور باشد، به آئینده  
موکول می‌کند.

---

(۱۱) دیوان داوری خاطر نشان می‌سازد که آقای یعقوبیان در سوگندنامه دیگری که در همان  
تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۸۳ (نهم فروردینماه ۱۳۶۲) ادا شده و در تائید ادعای  
سلب مالکیت مطروح علیه جمهوری اسلامی ایران، تسلیم گردیده ( سوگند  
نامه اول یعقوبیان) اظهار نموده که "در فوریه ۱۹۷۹ یا در آن حدود... من  
... آقای شاهین عسکری را به عنوان مدیر کل دفتر تهران منسوب  
و به وی دستور دادم که به تهران برود...". و این اظهار توسط  
آقای عسکری (رجوع شود به پانویس (۳) بالا) ضمن سوگندنامه‌ای که به ادعای  
مطروح علیه شرکت گاز زنی پرداخته بود، تائید شده است. گرچه این واقعیت  
می‌تواند شواهدی را القاء کند که در صورت ثبت بموقع "مستندات" شرکت گاز، احتمالاً  
پرسیدن آنها در جلسه استماع از آقای یعقوبیان بجا می‌بود، با اینحال سوء ظن  
موجهی دال بر کذب شهادت ایجاد نمی‌کند.

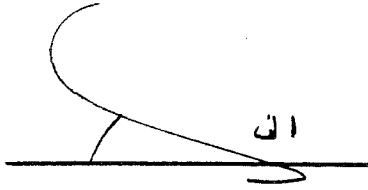
لاہہ، بہ تاریخ ۲۳ اپریل ۱۹۸۵ برابر با ۳ اوردہست ۱۳۶۴



نیلس منگارد

رئیس شعبہ سہ

بہ نام خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف



چارلز ان. براور